



## بست و بست‌نشینی در آستان قدس رضوی به روایت سفرنامه‌های اروپایی و آمریکایی\*

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵

حمیدرضا عطاریانی<sup>۱</sup> محبوبه اسماعیلی<sup>۲</sup> حسن شادپور<sup>۳</sup>

### چکیده

بست‌ها اولین سازه‌های مشهود و عینی ساختار آستان قدس رضوی برای بیننده یا زائر قبل از ورود به حرم مطهر، از قدیم تا کنون بوده است. به عبارتی، مرزهای حرم مطهر با بست شروع می‌شود. بست‌ها رابط بین فضای بیرونی و مادی با فضای قدسی و مطهر حرم امام رضا (علیه السلام) است. برای ورود به محوطه بست قوانینی بوده است. این قوانین طی قرن‌های مختلف حسب شرایط حکومت‌های مسلط بر کشور، موضوعیتی خاص داشته‌اند. بست یعنی جایی که اگر گناهکاری به آن نزدیک شود، محفوظ می‌ماند. البته نامسلمانان از این قانون و عرف جامعه، حسب اسناد محروم بودند و نمی‌توانستند وارد بست شوند. در این پژوهش به بازخوانی گزارش‌های بست و بست‌نشینی در آستان قدس رضوی به روایت سفرنامه‌نویسان اروپایی و آمریکایی پرداخته می‌شود. جامعه پژوهش و مورد مطالعه، سفرنامه‌های است که درباره بست و بست‌نشینی در آستان قدس، گزارش‌هایی در این باره ارائه داده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش به صورت کیفی با رویکرد توصیفی مبتنی بر گزارش‌های برگرفته شده از سفرنامه‌هاست. این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که روایت و کارکرد بست و بست‌نشینی در سفرنامه‌های اروپاییان و آمریکایی‌ها چگونه توصیف شده است؟ یافته‌های این پژوهش حاکی است در عصر صفویه، با ساخت و تکمیل صحن مقدس (انقلاب)، محوطه‌های طرفین غربی و شرقی این صحن، بست نام یافته و به تدریج در ابتدای عصر قاجار تا انتهای عصر پهلوی، بست و بست‌نشینی، مفهوم خاص خود را در گزارش سفرنامه‌نویسان با بیان نقد کارکرد منعکس کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** بست و بست‌نشینی، حرم امام رضا (علیه السلام)، سفرنامه‌ها، آستان قدس رضوی، مشهد.

\* این مقاله برگرفته از رساله دکترای حمیدرضا عطاریانی با عنوان «گونه‌شناسی سفرنامه‌نویسان در گزارش آستان قدس رضوی از عصر تیموری تا ابتدای انقلاب اسلامی» است که به راهنمایی دکتر محبوبه اسماعیلی و دکتر حسن شادپور انجام شده است.

۱. دکترای تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، ایران: hattariani3100@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، ایران (نویسنده مسئول): m.esmaeili@iaushahrood.ac.ir

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود، ایران: h.shadpoor@iaushahrood.ac.ir

## ۱. مقدمه

## ۱-۱. بیان مسئله

درباره بست و بست‌نشینی در اماکن متفاوت و اشخاص طی تاریخ مطالب فراوانی ذکر شده است. بیان این موضوع در سفرنامه‌های عصر قاجار، دلیل بر مهم بودن این مبحث در حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) در قرن سیزدهم و چهاردهم قمری است. دانستن تصور ایشان درباره کارکرد این مکان در ورودی‌های غربی و شرقی آستان مقدس رضوی که شامل چه مفاهیمی بوده، حائز اهمیت است. آغاز رسم بست‌نشینی در تاریخ ایران، مشخص نیست. رسم بست‌نشینی در حرم امام رضا (علیه السلام) تقریباً از ابتدای عصر قاجار سامان یافته و در ابتدای انقلاب اسلامی، معنا و مفهوم آن منسوخ شده است. بست‌نشینی به آستان قدس دارای قانونی مُدَوَّن و مُتَقَن نبوده است، محدوده مکانی آن نیز بنا به نظر سفرنامه‌نویسان متفاوت بوده است. عده‌ای از ایشان شهر مشهد را بست دانسته‌اند. عده‌ای نیز حرم حضرت رضا (علیه السلام) را و در نهایت، معدود سفرنامه‌نویسانی، حدود و ثغور آن را شامل محوطه‌های ورودی غربی و شرقی به حرم مطهر را دقیقاً بست عنوان نموده‌اند. کارکرد بست‌نشینی، از آن جهت بوده است که ورود و حضور بست‌نشینان، در محدوده بست، باعث حفظ حرمت و جان و مأمنی مطمئن برای ایشان بوده است تا بدان حد که در کمال آسایش و به حسب تأمین آذوقه و مهمات زندگی، فارغ از لطمه‌ها و و صدمه‌ها و خسارت‌ها و جراحت‌ها و ... به حیات خود در درون بست ادامه می‌دادند. سوء استفاده از این باور اجتماعی جنبه عمومی یافته و حتی منجر به امنیت و مصونیتی شرعی و اخلاقی برای خلافکاران و نابکاران و مجرمان می‌شود. این نکته، داد سفرنامه‌نویسان را درآورده و آنان نیز در گزارش‌های خود معترض به این مسئله شده و قضاوت‌های متفاوت ذکر کرده‌اند. از طرف دیگر بست‌شکنی و اخراج بست‌نشینان امری خارج از عرف و نیز به دور از شأن و منزلت مکان مقدس بارگاه رضوی در نزد عوام واقع شده، اما به مرور، بست‌نشینی تابع ضوابط حکومتی و خاص آستان قدس می‌شود. شایان ذکر است مسجد گوهرشاد که امروزه یکی از اجزای مهم حرم مطهر است، از آن به‌عنوان بست، از طیف بست‌نشینی افراد و روحانیون، اقوال تاریخی نقل شده است؛ اما سفرنامه‌نویسان غیرمسلمان به علت

(حمیدرضا عطارپانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

ممانعت از حضور ایشان در مسجد، گزارشی در این خصوص ذکر نکرده‌اند؛ بنابراین در این پژوهش صرفاً به مبحث بست و بست‌نشینی و کارکرد آن در دو بست مشهور تاریخی بالاخیابان و پایین خیابان حرم قدسی رضوی پرداخته می‌شود.

## ۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

در این پژوهش به بررسی گزارش‌های سفرنامه‌های اروپایی و آمریکایی درباره موضوع بست و بست‌نشینی پرداخته و از بست و کارکرد آن، مصادیق متناوبی در سطح جامعه و تاریخ ایران ذکر شده است. امروزه فقط نامی از بست در حرم امام رضا (علیه السلام) باقی مانده و در نتیجه کارکرد آن از بین رفته است. مصداق صرف نام بست اکنون در مجموعه حرم امام رضا (علیه السلام) شش بست است. از این شش بست، دوتای آن تاریخی و چهارتای دیگر پس از انقلاب اسلامی بنا شده‌اند. بست‌های تاریخی عبارتند از:

۱. بست شیخ طوسی (بالاخیابان، بست علیا): این بست در غربی‌ترین قسمت حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) واقع شده است. زائر پس از بازرسی بدنی از درب خیابان شیرازی وارد بست بالا یا شیخ طوسی شده و حدود آن تا ورودی غربی صحن انقلاب (ایوان ساعت) است.

۲. بست شیخ حرعاملی (پایین خیابان، بست سفلی): این بست در شرقی‌ترین قسمت حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) واقع شده است. زائر پس از بازرسی بدنی از درب خیابان نواب صفوی وارد بست شیخ حرعاملی شده و حدود آن تا ورودی شرقی صحن انقلاب (ایوان نقاره خانه) است.

هدف از این پژوهش بررسی این دو بست تاریخی و سابقه بست‌نشینی و کارکرد آن در سفرنگاشته‌های اروپایی و آمریکایی است. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که ورودی حرم مطهر که با بست‌ها شروع می‌شده است، سفرنامه‌نویسان آن را در نگاشته‌هایشان به چه شکل مطرح و روایت کرده‌اند.

### ۱-۳. پرسش پژوهش

سفرنامه‌نویسان اروپایی و آمریکایی بست و بست‌نشینی در آستان قدس رضوی را چگونه تعریف و کارکرد آن را به چه شکل در گزارش‌هایشان روایت کرده‌اند؟

### ۱-۴. پیشینه پژوهش

ثواقب (۱۳۹۹) در مقاله «توسل جویی و بست‌نشینی در سفارت‌خانه‌ها و کنسول‌گری‌های خارجی عصر قاجاریه» به بست‌نشینی در سفارت‌خانه‌های بیگانه اشاره دارد. ثواقب نتیجه می‌گیرد بست‌نشینی برای مداخله در امور داخلی و وابسته کردن رجال ایرانی و فشار بر دولت برای تأمین مقاصد خود، بهره برده‌اند. در تمامی این آثار گزارش سفرنامه‌نویسان عصر صفویه، قاجار و پهلوی دیده نمی‌شود. حتی دائرةالمعارف آستان قدس رضوی که شمول آن، گستره‌ای وسیع است، گزارش بسیاری از سفرنامه‌نویسان را درباره بست و بست‌نشینی و بست‌شکنی بیان نکرده است.

ثواقب (۱۳۹۸) در مقاله «بست‌نشینی در دوره صفویه» به پدیده بست‌نشینی در اماکن و بناهای خاص در دوره صفویه، اشاره دارد. از گزارش‌های سفرنامه‌نویسانی در این عصر همچون دلواله، تاورنیه، شاردن و اولناریوس و... استفاده می‌کند. این عصر صرفاً به ارائه گزارش در عصر صفویه می‌پردازد.

معینی (۱۳۹۸) در پژوهش «نگاهی به سنت بست‌نشینی در ایران» این عمل را در نظر نویسندگان خارجی نوعی تاکتیک ایرانی برای احقاق حق دانسته است که مردم مظلوم پیوسته به جهت دادخواهی در مکان‌های خاص (اماکن مقدسه، مساجد امامزاده و منازل علما و مجتهدین) بست می‌نشستند و تا حدودی هم منجر به رفع ظلم می‌شد. این رسم پیوسته به کار گرفته می‌شد و حکومت به دنبال راهکار اساسی بود که این رسم را ریشه‌کن کند. در این پژوهش از سنت بست و بست‌نشینی در آستان قدس از نگاه سفرنامه‌نویسان گزارشی ارائه نشده است.

کالمرد، جی (۱۳۹۳) در مقاله «بست و بست‌نشینی» اشاره به رویداد بست و بست‌نشینی

(حمیدرضا عطاریانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

از منظر تاریخ اجتماعی ایران دارد. کالمرد معتقد است، نهادهایی در جامعه وجود داشته است که پیگرد قانونی افراد جهت کیفر دادن بزهکار از سوی مراجع رسمی را به بن بست می‌کشاند. با بست‌نشینی عملاً حکم قاضی و حاکم شکسته می‌شد. کالمرد از گزارش سفرنامه‌ها فقط به گزارش کرزن، اوبن اوزن، لیدی مری شیل بسنده کرده است.

گروه دائره‌المعارف آستان قدس رضوی (۱۳۹۳) در کتاب دو جلدی نفیس «دائرةالمعارف آستان قدس رضوی، از معدود سفرنامه‌نویسان اروپایی مثل: بارنز، پولاک، خانیکوف و ریچاردز گزارش‌هایی درباره سنت بست‌نشینی در آستان قدس ذکر می‌کند. این اثر با توجه به اینکه دائره‌المعارف آستان قدس است می‌توانست پوشش بیشتری از دیگر گزارش سفرنامه‌نویسان در عصر صفویه و قاجار داشته باشد.

طیبی (۱۳۸۹) در مقاله «بست و بست‌نشینی در دوره قاجاریه (تا انقلاب مشروطه)» به بست‌نشینی و رونق گسترده آن در مقطع محدود مزبور، اما در اماکن متعدد اشاره دارد. وی در این مقاله فقط از گزارش دو سفرنامه‌نویس اروپایی همچون هانری رنه دالمانی و یاکوب ادوارد پولاک یاد می‌کند. طیبی از گزارش دیگر سفرنامه‌نویسان در مقاله‌اش یاد نمی‌کند.

خوش افتخار (۱۳۸۴) در مقاله «بست و بست‌نشینی در دوره قاجار» به اهداف و انگیزه‌های متفاوت بست‌نشینیان در عصر قاجار اشاره دارد. نویسنده به بیان تعداد محدودی از آرای سفرنامه‌نویسان، همچون جکسن، دکتر پولاک و لیدی مری شیل اشاره دارد.

فردویی (۱۳۸۴) در کتاب «فلسفه بست و بست‌نشینی» به سابقه (بست‌نشینی در حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام) به صورت اختصاصی می‌پردازد.

قصایبان (۱۳۷۷) در مقاله «تاریخچه بست و بست‌نشینی در مشهد» به پیشینه این موضوع از حیث تاریخی پرداخته است. وی در این مقاله به ارائه نظر افراد معدودی از سفرنامه‌نویسان، همچون ادوارد پولاک، کلنل بیت، خانیکوف روسی و نیز اعتمادالسلطنه می‌پردازد.

طاهرنیا (۱۳۷۶) در کتاب «مشهد از نگاه سیاحان از ۱۶۰۰ تا ۱۹۱۴ میلادی» بر منابع ترجمه شده فارسی می‌پردازد. مؤلف در این کتاب نگاهی به تاریخ شهر مشهد و فصل نهم کتاب دربارهٔ بست و بست‌نشینی از باب تعریف می‌پردازد. این کتاب با توجه به چاپ آن در سال ۱۳۷۶ شمسی، فاقد فراوانی گزارش سفرنامه‌نویسان درباره این موضوع است. در این کتاب فقط گزارش کرزن، دربارهٔ بست‌نشینی بیان شده است.

عطاردی (۱۳۷۱) در کتاب «تاریخ آستان قدس رضوی» دربارهٔ بست‌های حرم مطهر، تاریخچه‌ای مختصر را بیان کرده است. عزیزالله عطاردی در این کتاب تعاریف و حدودی درباره بست‌های حرم امام رضا (علیه السلام) ذکر کرده؛ اما دربارهٔ بست‌نشینی و نیز گزارش‌های سفرنامه‌نویسان مطلبی ذکر نکرده است.

خالصی (۱۳۵۸) در کتاب «تاریخچه بست و بست‌نشینی همراه با شواهد تاریخی» پس از ارائه تعریف و مبانی شکل‌گیری بست و بست‌نشینی، به ارائه گزارش‌هایی محدود از سفرنامه‌نویسان اروپایی همچون، کرزن و نیز بنجامین آمریکایی می‌پردازد.

در پژوهش‌های ذکر شده، دائرةالمعارف آستان قدس رضوی، گزارش‌های متناوبی در باره بست و بست‌نشینی در آستان قدس را ذکر کرده و از این جهت از دیگر پژوهش‌ها متمایز است؛ اما نقطه ضعف دائرةالمعارف آستان قدس آن است که از تمامی آثار ترجمه شده دیگر سفرنامه‌نویسان برای تکمیل موضوع بهره‌برداری نکرده است. نیز از آنجا که این کتاب در سال ۱۳۹۳ شمسی چاپ شده، از پژوهش‌های سفرنامه‌های جدید ترجمه شده بی‌بهره مانده است. در این پژوهش از ترجمه گزارش‌های سفرنامه‌های جدید، همچون اوئیلز، ایستویک، باست و... که در هیچ پژوهشی دیگر استفاده نشده بهره‌برداری شده است.

## ۱-۵. روش پژوهش

روش پژوهش بر اساس روش کیفی با رویکرد توصیفی مبتنی بر گزارش‌های برگرفته شده از سفرنامه‌ها در قرن‌های سیزدهم و چهاردهم قمری است. ابتدا با جمع‌آوری و بررسی

(حمیدرضا عطاریانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

داده‌ها و گزارش‌ها، محتوای اطلاعاتی بر اساس سوالات مطرح شده تفکیک و سپس بر اساس فهرست موضوعی و فراوانی یافته‌ها، مستندسازی و طبقه‌بندی شده است.

جدول ۱-۱: سفرنامه‌نویسانی که در این پژوهش از آن‌ها گزارش روایت شده است

عصر حکومتی	سفرنامه نویس	عنوان تالیف	ملیت
صفویه	ژان باتیست تاورنیه	سفرنامه تاورنیه	فرانسوی
	آدام اولتاریوس	سفرنامه آدام اولتاریوس	آلمانی
	ژان شاردن	دائرةالمعارف تمدن ایران، سیاحتنامه شاردن	فرانسوی
	فدت آفاس یویچ کاتف	سفرنامه کاتف	روسی
	پیتر دلاواله	سفرنامه پیتر دلاواله	ایتالیایی
	قاجاریه	چارلز جیمز ویلز	سفرنامه دکتر اوئیلز به ممالک ایران
جیمز باست		ایران سرزمین ائمه	آمریکایی
آلکس بارنز		سفرنامه بارنز	انگلیسی
جرج ن. کرزن		ایران و قضیه ایران	انگلیسی
کلود آنه (ژان شوپفر)		خاطرات سفر کلود آنه در آغاز مشروطیت (اوراق ایرانی)	سوئسی
آرتور کانولی		سفر به شمال هند از طریق روسیه، ایران و افغانستان	انگلیسی
کارلاسرنا، مادام		سفرنامه مادام کارلاسرنا آدمها و آیینها در ایران	فرانسوی
چارلز ادوارد بیت		سفرنامه خراسان و سیستان	انگلیسی
ادوارد یاکوب پولاک		سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان	انگلیسی
س.ج.و. بنجامین		سفرنامه بنجامین	فرانسوی
مری شیل		خاطرات لیدی شیل	انگلیسی
هانری. رنه دالمانی		سفرنامه از خراسان تا بختیاری	آمریکایی

عصر حکومتی	سفرنامه نویس	عنوان تالیف	ملیت
	ادوارد بکهاوس ایستویک	سه سال در ایران	فرانسوی
	جیمز چارلز ویلز	سفرنامه دکتر اوئیلز به ممالک ایران	انگلیسی
	نیکولای خانیکوف	سفرنامه خانیکوف	روسی
	اوبن اوژن	ایران امروز	ایرانی
	آلفونس گابریل	سفرنامه آلفونس گابریل	آمریکایی
	اسکارفن نیدرمایر	زیر آفتاب سوزان ایران	آلمانی
پهلوی	فرد ریچاردز	سفرنامه فرد ریچاردز	انگلیسی

## ۲. بست و مصادیق بست در سفرنامه‌ها

بست مصادیق متناوبی غیر از آنچه اکنون در آستان قدس مطرح است، شامل می‌شده است. حسب گزارش سفرنامه‌نویسان، مصداق بست غیر از آنچه در آستان قدس است، مصادیق دیگری را نیز شامل می‌شده است که برای آشنایی، دیگر مصادیق نیز بررسی می‌شود.

### ۲-۱. توپ بست

ادوات و تسلیحات جنگی همچون توپ یکی از مصادیق بست و نیز مأمنی برای پناهندگان به‌عنوان بست بوده است. شرح حال و هوای توپ بست‌نشینیان چنین توصیف شده است: در اطراف توپ چند نفر از اشخاص افسرده حال ایستاده‌اند و این اشخاص قاتلین و مقصرین و مرتکبین اعمال شنیعه‌اند که به این توپ پناه آورده‌اند. در این محل هیچ کس قادر نیست که آن‌ها را به‌واسطه اعمال و جنایات صادره از آن‌ها مجازات دهد؛ زیرا که این توپ بست است (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۳؛ ویلسن، ۱۳۶۳: ۲۱۲). مادام کارلاسرنا، سفرنامه‌نویس ایتالیایی در عصر ناصرالدین شاه قاجار با نگاهی منتقدانه به اینان می‌نویسد: «سر در وسط میدان، روی سکوئی، توپ بزرگی که یادگاری از پیروزی

(حمیدرضا عطارپانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

بر دشمن و غنیمت جنگی است، گذاشته شده، و از سابق محل بست و پناهگاه قابل احترامی بوده است. من روزی، محکومی را دیدم که در کنار (توپ) بست نشسته بود و هر روز مردم غذای روزانه برایش می‌آوردند، تا آنکه مورد عفو قرار گرفت (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۶۱). علت توجیه بست‌نشینی در کنار توپ را دکتر اوئیلز نیابت دادن شخص اعلی حضرت شهریار ایران در عصر قاجار می‌داند (همان: ۱۸۵). هر شخصی مقصر یا راهزنی که خود را به این توپ برساند حتی اگر خائن هم بوده باشند، نمی‌توان آن را جبر و تنبیه نمود، ولی اگر آن شخص چند زرع از آن توپ دور شود حتماً مدعی او مشارالیه را دستگیر و خود به شخصه احکام قانون ایرانی را در حق او مجری و سیاست می‌نمایند (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۳). هم‌اکنون مصداق توپ بست در عرف و سطح جامعه نه تنها موجودیت ندارد، بلکه حتی یادبود و اثری در افکار جامعه از خود بر جای نگذاشته است.

## ۲-۲. اصطبل افراد متنفذ

اصطبل‌ها نیز در گذشته مصداقی از بست بوده و کسی حق تخطی به آن‌ها را نداشته است (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۴). یکی از بست‌ها و مأمن‌های ایران اصطبل خاصه مبارکه و اسب‌های سواری آن اعلی حضرت شهریار است که هر شخص قاتل و جارحی که به آن مکان مُلتجی گردد حتماً و حُکماً از دست مُبغضین خود وارسته است (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۶). حدود و کارکرد اصطبل به‌عنوان بست را دکتر پولاک در حد کسانی می‌داند که خطایی جزئی مرتکب شده‌اند یا به ارتکاب آن مظنون هستند. حتی کافی است که فرد تخت تعقیب بر سر اسب دستی بکشد (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵).

## ۲-۳. بست به افراد متشخص

غالباً دیده شده است که نوکرهای ایرانی در وقت عبور از دهات و قُراء به آقای (ارباب) خود می‌گویند که من به فلان دهکده داخل نمی‌شوم (شخصی را مقتول نموده‌ام) و همین که با شما در آن قریه وارد شوم وراث و اقوام مقتول مرا دستگیر نموده و مقتول می‌سازند (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۴).

## ۲-۴. بست به اماکن و صاحبان مناصب

بست شامل بعضی از اماکن عمومی و اختصاصی شهری نیز می‌شده است. هینریش کارل بروگش در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی از ایران بازدید کرده است. او درباره بست می‌نویسد: «دروازه عالی قاپو در اصفهان قداستی کسب کرده است. هنوز مردم به این دروازه احترام می‌گذارند و حتی پادشاهان ایران هم هیچ‌گاه سواره از زیر آن نمی‌گذرند بلکه از اسب فرود آمده و پیاده و عبور می‌نمایند. اگر مجرمی خود را به اینجا برساند دیگر احدی نمی‌تواند مزاحم او گردد؛ زیرا این دروازه یک بست به شمار می‌رود» (بروگشن، ۱۳۷۴: ۲۱۲). عمارات شاهزادگان و عموهای آن سلطان معظم و حکام بلاد معظمه ایران در جرگه بست منظور و قرار داده شده است و هر فراری و قاتلی که به آن مکان ملتجی شود و حتی خود اعلی حضرت پادشاه هم به ملاحظه انقلاب و به هم خوردن قانون از مجازات جانی عفو و اغماض می‌فرمایند (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۶).

## ۲-۵. بست در اماکن سیاسی

مکان‌های مُنتسب سیاسی به مأموران خارجی، همچون سفارتخانه انگلیس و دفتر خانه و اداره تلگرافخانه انگلیس، حکم بست را دارد. تلگرافخانه دولت انگلیس از این رو به مخمصه و زحمت بزرگی گرفتار است. غالباً نسوان و اطفال ایرانی به آنجا پناه برده، خود را از قید بلیات می‌رهانند ولی غافل از اینکه شوهران و پدران آن‌ها در دست مأمورین حکومت به کیفر خود خواهند رسید (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۶). لیدی شیل می‌نویسد: «بست‌نشینی اشرار در محل سفارتخانه ما بکرات اتفاق می‌افتاد و چون تحویل این‌گونه افراد به مراجع قضائی، برای سفارتخانه ما، ممکن بدنامی بود، لذا ما سعی داشتیم که اکثر پناهندگان تبه‌کار را شبانه امر به خروج بدهیم تا بتوانند در تاریکی شب و با خیال راحت محل دیگری مثل یک بقعه را بجای سفارت پادشاهی انگلستان برای اقامت و بست‌نشینی پیدا کنند» (شیل، ۱۳۶۸: ۱۱۴). گزارش لیدی شیل دال بر همکاری با بست‌نشینان، به هر طریق ممکن بوده است.

(حمیدرضا عطاریانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

## ۲-۶. بست‌نشینی در اماکن مذهبی

ارجح‌ترین بست در تاریخ ایران اسلامی مسئله بست‌نشینی به اماکن مذهبی، همچون آستان قدس، بقاع بزرگان و علما بوده است. چنان‌که فدت آفاس یویچ کاتف، تاجر و سفرنامه‌نویس روسی که در عصر صفویه (قرن ۱۷م) در ایران حضور داشته است، هر چند از واژه بست و بست‌نشینی در اثر خود استفاده نمی‌کند، اما گزارش او درباره اشخاصی که خود را منتسب به خاندان اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌دانند، جذاب و خواندنی است. او درباره بقعه و مسجد شاه صفی می‌نویسد: «در آنجا پدر شاه صفی و پدر بزرگ او دیوی میرزا به خاک‌اند... کشندگان و راهزنان و یا آنان که از مهلکه‌ای می‌جسته‌اند و همچنین بردگان فراری چون به اینجا روی آورند و بر زنجیرها بوسه زنند و در بقعه پنهانند از کسی هراسی ندارند و حتی شاه هم آن‌ها را مجازات نمی‌کند (کاتف، ۱۳۵۶: ۵۰).

اوئیلز از مصادیق اماکن بست‌نشینی چنین می‌نویسد: «از بست‌های عمده ایران که اگر مقصر خود را به آنجا برساند از بلیات عظیمه و کشته شدن خود را می‌رهاند، قبور امامزادگان و مساجد و جوامع عظیمه خانه‌های علمای ایران است» (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۶). مساجد و هر امامزاده‌ای یا حول و حوش آن به‌عنوان بست شناخته می‌شود (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳). همچنین خانه روحانیون معروف را بست به حساب می‌آورند مسجد روستا برای بعضی از متخلفان حکم بست‌نشینی را دارد. پناهگاه به شمار آوردن این نوع جاها به رسم و رسوم بستگی دارد (باست، ۱۳۹۸: ۲۹۱).

## ۳. بست‌های حرم مطهر در سفرنامه‌ها

### ۳-۱. تعریف و محدوده بست در آستان قدس

ساخت بنای بست در طرفین صحن (کهنه) شامل محیط بست بالاخیابان و پایین خیابان، در اصل به معنای ورود به حوزه حریم حرم مطهر بوده و به زائر چنین القا می‌شده که این مکان حصنی حصین و مأمنی محافظ در برابر تمام مخاطرات

حکومتی و ... از جانب آستانی قدسی است. از طرف دیگر ورود به بست اخطاری بوده است به زائر که او وارد مکانی و رای دیگر مکان‌ها شده است و باید در تمامی جوانب، رعایت ادب و احترام را توأم با تواضع به مرقد ملکوتی پاره تن رسول الله ﷺ روا دارد؛ اما به این معنا و مفهوم سفرنامه‌نویسان ارائه گزارش نداشته‌اند و حتی سعی نکرده‌اند مفهوم و مصداق کارکرد مذهبی آن را در گزارش انتقال دهند. ایشان صرفاً از کارکردهای اجتماعی گزارش ارائه داده‌اند. قسمت «بست» بسیار شلوغ بود. در آن محوطه متساوی‌الاضلاع مدرسه‌های دیگر و چند حیاط و مسافرخانه و حمام است (کرزن، ۱۳۶۷: ج ۱: ۲۲۳). کرزن در ادامه می‌نویسد: «ساعتی اروپائی در بالای آن نصب شده است تا صدمتر بیشتر راهرو از میان بازار پر ازدحامی تا دروازه مسجد امتداد دارد. در این فاصله محدود حداکثر جمعیت گردآمده‌اند و چنین می‌نماید که حد اعلائی خرید و فروش هم در اینجا در جریان است. زواری که در داخل این محوطه (بست) اقامت دارند می‌توانند تمام وسایل زندگانی را در همان جا خریداری کنند. (گویا این دو بست مملو از فروشگاه‌های متنوع بوده است.) به‌علاوه سوغات سفر هم از هر سو نظرشان را جلب می‌کند از قبیل مصنوعات خود مشهد و اسباب دعا (مُهر و تسبیح و سجاده نماز و کتاب قرآن کریم و کتب ادعیه) و جواهرات کم بها و فیروزه که عباراتی از قرآن بر آن حک شده است» (کرزن، ۱۳۶۷: ج ۱: ۲۱۹). کرزن از ممنوعیت ورود غیر انسان به بست یاد کرده است: «هرگاه حیوانی درون آن پا بگذارد بی‌درنگ به دست متولیان مصادره می‌شود» (کرزن، ۱۳۶۷: ج ۱: ۲۲۰). کثرت جمعیت را گابریل آمریکایی در عصر قاجار چنین توصیف کرده است: «در اینجا انبوهی از زائران و مجاوران به سوی حرم مطهر، در رفت و آمد بودند» (گابریل، ۱۳۹۵: ۳۲۱). گویا زنجیرکشی محاط محوطه حرم صرفاً خاص بست بوده است. فقط دو مدخل اصلی بست با آویختن زنجیر مشخص شده است؛ بنابراین کمترین احتیاط حکم می‌کند که خارجیان همیشه یک راهنمای آشنا بدین گونه مکان‌ها را همراه خود داشته باشند» (دالمانی، ۱۳۷۸: ج ۱: ۱۵۱). کلود آنه فرانسوی نیز از حصار زنجیرکشی پیرامون بست یاد کرده و عده‌ای را به‌عنوان موظف و نگهبان، جهت

(حمیدرضا عطاریانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

مراقبت شبانه‌روزی در بست روئیت نموده است (آنه، ۱۳۶۸: ۱۶۰). پس از ورود به بست خانیکوف می‌نویسد: «افراد مجرم، دزد و قاتل، پس از راه یافتن به این مکان مقدس دیگر هیچ ترسی از تعقیب قانونی ندارند. رئیس این سازمان یعنی متولی باشی مأموری غیر نظامی است که از سوی شاه منصوب و یا معزول می‌شود «راهی برای ساختن کلاه شرعی» می‌یابد و بالاخره اینک غنی‌ترین بازارها، کاروانسراها و مشهورترین حمام‌ها و بالاخره مدرسه‌هایی که از موقوفات بیشتری برخوردار است، در این بخش از شهر قرار دارد (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۱). علاوه بر دو بست تاریخی، بالا و پایین خیابان، چهار بست دیگر در حرم امام رضا (علیه السلام) پس از انقلاب اسلامی بنا گردیده است که عبارتند از:

۱. بست شیخ بهائی (حداصل رواق دارالنور و صحن پیامبر اعظم)، معبری مهم برای تسریع عبور و مرور زائران از مرکز حرم مطهر و مسجد گوهرشاد و صحن جمهوری و برعکس به صحن پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) است.

۲. بست شیخ طبرسی در شمال و در داخل حرم مطهر واقع شده است. این بست، مفصل ارتباطی بین صحن انقلاب با ورودی شیخ طبرسی است.

۳. بست باب‌الرضا (علیه السلام) در خارج از حرم واقع شده است. این بست حدفاصل صحن پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و میدان بیت المقدس است.

۴. بست باب‌الجواد (علیه السلام) نیز در خارج از حرم واقع شده و حدفاصل صحن پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و خیابان شهید اندرزگو است. کارکرد این چهار بست، صرفاً برای تسریع در عبور و مرور زائران بوده و به جهت تطابق با دو بست تاریخی مذکور، این محوطه‌های مشابه ورودی به حرم مطهر نیز بست نامیده شده است. تنها بست است که پس از انقلاب اسلامی ساخته شده است و شباهت به دو بست تاریخی بالاخیابان و پایین خیابان از حیث ساختاری دارد، صرفاً بست شیخ طبرسی است. هرچند تمامی بست‌های شش‌گانه کنونی حرم مطهر در حال حاضر، فقط برای سهولت در تردد زائرین نقش دارند، اما کارآرایی و آن معنا و مفهوم تاریخی بست را از دست داده‌اند.

گویا در منابع تاریخی بست و بست‌نشینی به حرم امام رضا (علیه السلام) در دوره تاریخی صفویان شکل گرفته، اما رونق آن در عصر قاجاریه بوده است. در اسناد آستان قدس رضوی از دوره صفوی به بست‌های بالاخیابان و پایین خیابان اشاره شده در طومار علیشاهی که در سال ۱۱۶۰ قمری تنظیم شده، ترکیب «بست مبارک» پیش از «صحن مقدس» آمده است (دائرةالمعارف آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳: ج ۱، ۲۰۷). در دو طرف صحن کهنه (انقلاب کنونی) دو محوطه بزرگ در طرفین این صحن وجود داشته که به نام بست بالاخیابان (علیا) و بست پایین خیابان (سفلی) نامیده می‌شده‌اند. نیز در گزارشی به سال ۱۱۶۳ قمری، اندکی بعد از قتل نادرشاه، اشاره شده است که صاحب‌منصبان آستان قدس به طریق معمول سرکار فیض آثار، طوق و علم برداشته، تا حد بست مبارک به پیشواز حاکم وقت آمدند (همان). دقیق‌ترین گزارش‌ها درباره این دو بست تاریخی مرتبط با عصر حکومت ناصرالدین شاه قاجار است. امروزه، همانند عصر قاجار این دو بست، معابری از ورودی‌های غربی و شرقی حرم مطهر به صحن کهنه یا انقلاب هستند.

بارنیز در عصر حکومت فتحعلی‌شاه قاجار به مشهد آمده است تعریفی دیگر از بست‌ها دارد: «زائری که به زیارت می‌آید ابتدا از بازار عبور کند، از زنجیر بگذرد تا وارد بست ... بشود، و بعد از گذرگاه طاقدار بلندی (ایوان) عبور کند و به محوطه وسیع چهارگوشی که از آثار شاه عباس کبیر است، برسد» (بارنر، ۱۳۷۳: ۶۱). درباره حدود بست، دکتر پولاک در عصر ناصری می‌نویسد: «سراسر مشهد برای کسانی که از نظر دزدی، اختلاس و حتی ضربه منجر به مرگ تحت تعقیب‌اند بست محسوب می‌شود (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۴). کرزن درباره ابعاد بست‌ها می‌نویسد: «از یک دروازه بست تا دروازه دیگر این محوطه متساوی‌الاضلاع، دست کم ربع میل وسعت دارد (کرزن، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۲۳). در گذشته این بست‌ها به وسیله یک رشته زنجیر یا گذاشتن چوب یا بستن طناب مشخص می‌شد که امروز اثری از آن نیست. ابتدا دیوار بست سفلی از آجرهای ساده بوده مرکب از سه دهنه هم اندازه بدون هیچ تزیینی اما در زمان احمدشاه قاجار (۱۲۸۸-۱۳۰۴ ش) ترمیم گردید.

(حمیدرضا عطارپانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

بست وصل به طاق (ایوان) نماست. انسان که از راه خیابان پیش می‌رود ناگهان راه را به وسیله طاقی مسدود می‌یابد که در وسط دیواری است که گردادگرد بناهای مقدس را محصور (کرده است) (کرزن، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۱۹). دالمانی هم به محوطه بزرگ و مربع شکلی معروف که مقدس‌ترین بناهای مشهد را در خود جای داده، اشاره می‌کند (دالمانی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۱). محوطه بست بی‌شک و شبهه جزو آستانه امام است (کرزن: ۲۱۹). اصطلاح بست در حرم مطهر رضوی از گذشته تا به امروز، توصیفی متفاوت داشته است؛ به طوری که گاه تمام شهر را در بر می‌گرفته است و گاه به صحن‌ها و مجموعه حرم محدود می‌شده است. اینکه حرم مطهر رضوی از چه زمانی بست محسوب می‌شده، به درستی روشن نیست (دائرة المعارف آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۰۷) کلود آنه در سفرنامه خود محله آرامگاه را بست یا پناهگاه می‌نامد (آنه، ۱۳۶۸: ۱۶۰). به نظر وی تمامی حرم امام رضا (علیه السلام) در حکم بست است. آنچه کلود آنه در کتاب اوراق ایرانی بر اساس باور خود ذکر کرده، بیانگر آن است که در سال ۱۳۲۸ ق. / ۱۹۱۰ م. مجموعه حرم مطهر تا این تاریخ بست نام داشته است. اما ریچاردز انگلیسی که در زمان سلطنت پهلوی اول در سال ۱۳۰۹ شمسی به مشهد آمده است، دایره شمول بست را محدودتر ذکر کرده است. وی به حرم و معابر و بازارهای اطراف حریم حرم که با زنجیر مشخص شده است، بست اطلاق نموده است (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۸۰). با این همه مشخص نیست دقیقاً از چه زمانی بخش انتهایی دو راسته غربی - شرقی منتهی به حرم، بست محسوب می‌شده است (دائرة المعارف، ۱۳۹۳، ج ۱: ۲۰۷). مصداق بست از نظر سفرنامه‌نویسان تا اواخر دوران حکومت پهلوی اول، شامل همین محوطه‌های ورودی غربی و شرقی به صحن کهنه (انقلاب) می‌شده است.

جدول ۳-۱: تعاریف و ویژگی‌های بست در سفرنامه‌ها

ردیف	سفرنامه‌نویس	تعاریف و ویژگی‌های بست
۱	بارنز	بست به‌عنوان حریم اولیه حرم مطهر و نشانه از ممنوع بودن ورود غیرمسلمانان به محدوده آن است.
۲	پولاک	تمام شهر مشهد را بست عنوان می‌کند.
۳	کرزن	تمایز بست به‌وسیله زنجیر، عدم امکان ورود خارجیان به آن، وجود فروشگاه‌ها در آن، مصادره حیوانی که درون آن پا بگذارد توسط متولیان
۴	دالمانی	دارای شکلی مربع، وجود مقدس‌ترین بناها در آن، امکان حضور مومنان حقیقی در آن، ممنوع بودن حضور غیرمسلمان در آن
۵	کلود آنه	پناهگاه بودن بست، حضور نگهبان به صورت شبانه‌روزی در آن، حضور صرفاً شیعیان در آن
۶	خانیکوف	بیان ابعاد، ممنوعیت ورود به بست برای غیرمسلمانان (مسیحیان، یهودیان، هندوها) وجود غنی‌ترین بازارها، کاروان‌سراها، حمام‌ها، مدارس که از موقوفات بیشتری برخوردار است.
۷	ریچاردز	بست به حرم و معابر، بازارهای اطراف آن که حریم حرم با زنجیر مشخص شده است.

(منبع: برگرفته از پژوهش)

(حمیدرضا عطاریانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)



تصویر ۱-۳: نمایی از بست شیخ طوسی در دهه ۴۰ شمسی

### ۲-۳. سفرنامه‌نویسان و معضل ورود به بست‌ها

بست‌ها به‌مثابه ورودی‌های حرم امام رضا (علیه السلام) محسوب می‌شدند؛ بنابراین محدودیت‌های ورود نیز از همین بست‌ها برای سیاحان غیرمسلمان اعمال می‌شد. در عصر قاجار، قانون ممنوعیت از حضور غیرمسلمان به آستان قدس شکل می‌گیرد. هانری رنه بست‌ها را محوطه‌ای که جز مومنان حقیقی کسی حق ورود بدان را ندارد، مطرح می‌کند (دالمانی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۱). منظور هانری رنه را ریچاردز به‌خوبی بیان می‌کند؛ ورود غیرمسلمانان به بست‌ها مجاز نیست (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۲۸۰). نگهبانان (حرم) کسی جز هم‌کیشان شیعی مذهب خود را بدان راه نمی‌دهند (آنه، ۱۳۶۸: ۱۶۰). اسکار فن نیدرمایر آلمانی که از معرکه جنگ جهانی اول به سمت مشهد می‌گریزد، بنا بر تصور امکان ورود به بست‌ها چنین می‌نویسد: «اگر کار به جای باریک می‌کشید می‌توانستم در صحن امام رضا (علیه السلام) متحصن شوم و البته طبق رسوم شیعیان در آنجا کسی بست را نمی‌شکست. (نیدرمایر، ۱۳۶۳: ۲۵۴). ممانعت از ورود اسکارفن، امکان حضور وی را مهیا نمی‌سازد. بارنز ضمن شگفتی و حسرت ورود مسلمانان بدان جا به‌راحتی یاد می‌کند و می‌نویسد: «جایی که در آن هیچ مجرمی قابل تعقیب نیست» (بارنز، ۱۳۷۳: ۶۱). به‌ظن

بارنژ صرفاً به جهت مسلمان بودن ولو متخلف و مجرم بودن، ورود به بست برای مسلمانان جائز است و حتی امکان تعقیب قانونی ایشان نیست؛ اما غیرمسلمانان از هر کیش و مذهبی، ممنوعیت در ورود برای ایشان اعمال و از حضورشان در بست حرم امام رضا (علیه السلام)، جلوگیری می‌شود.

#### ۴. کارکرد بست‌نشینی در حرم امام رضا (علیه السلام) به روایت سفرنامه‌ها

پناهندگی و یا بست‌نشینی در کنار و یا داخل حریم رضوی، بالاترین سطح و افضل‌ترین مکان، از حیث استمداد و تظلم و دادخواهی ایرانیان، در عصر قاجار بوده است. حریم قدسی رضوی از دیرباز، به سبب مدفن هشتمین امام شیعیان از قداست و احترام خاصی در بین حکومت‌ها و مردم برخوردار بوده است. بست‌نشینی به معنای پناه جستن و متحصن شدن به حرم و بارگاه رضوی است. بعضی نویسندگان نقل کرده‌اند که حتی عیسویان و یهودیان و گبرها نیز می‌توانند با همین قصد از آن استفاده نمایند، اما دیگران این مطلب را انکار دارند، ولی برای هر مسلمانی که مورد تعقیب باشد، نقطه مصونی است و از آن پناهگاه می‌تواند با تعقیب کنندگان مذاکره و راجع به میزان تنخواه در صورتی که از آن جا قصد خروج داشته باشد توافق حاصل کند (کرزن: ۲۱۹). باست می‌نویسد: «در اینجا به بستگاهی اشاره دارم که همان حرم امام رضا در مشهد است. در اینجا ترتیبات بسیار گسترده‌ای فراهم شده است» (باست، ۱۳۹۸: ۲۹۱). این محدوده برای بدهکاران بست یا پناهگاه به شمار می‌آید و نمی‌شود آن‌ها را از آنجا بیرون کرد (ایستویک، ۱۳۹۹: ۲۲۶). کلنل بیت این نوع بست‌نشینی را تقبیح کرده و معتقد است: «همواره تعداد زیادی از افراد که کارهای خلاف از آن‌ها سر می‌زند برای فرار از مجازات این کار (بست‌نشینی) را می‌کنند (بیت، ۱۳۶۵: ۳۰۸). جیمز باست درباره کارکرد فوق‌العاده بست می‌نویسد: «بست‌نشینی، پناهگاهی که این حرم فراهم آورده است، متناسب با بزرگی امام در نظر گرفته شده است و می‌گویند خود شاه هم جرئت نمی‌کند مجرمی را که به آنجا پناه برده، دستگیر کند. این عمل یک ویژگی جالب رسم ایرانی در مورد پناهندگی است که حتی مسیحیان، یهودیان و زردتشتیان مجازند به آنجا پناه ببرند؛ جایی که در حالت عادی

(حمیدرضا عطاریانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

هیچ غیر مسلمانی حق ورود به آنجا را ندارد و نه اینکه ترفندی باشد برای نشان دادن بخشندگی و مروت به کافران (باست: ۲۴۰)؛ بنابراین کارکرد بست‌نشینی شامل دو وجه بوده است: ابتدائاً عده‌ای برای احقاق حقوق خود و تظلم‌خواهی یا اعاده حیثیت شخص خود و یا هم نظران خود بست می‌نشستند. پولاک با نگرشی مثبت به بست‌نشینان چنین می‌نویسد: «در ممالکی که در آن‌ها دادگستری منظمی وجود ندارد، در جایی که به محض ایراد سخنی از طرف شاه مستبد قبل از هر تحقیق و رسیدگی، ممکن است کیفری برای فردی معین شود، یا در یک چشم بر هم زدن آن کیفر بموقع اجراء گذارده شود، بست‌نشستن و پناه جستن به منزله حمایت لازمی است برای کسانی که امنیت شخصی آن‌ها علی‌الدوام مورد تهدید قرار گرفته است» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۳). وجه دوم کارکرد بست‌نشینی به حسب اسناد، شامل مجرمین و فراریان از قانون بودند، لذا این گروه متعرض و متجاهرین به قانون به بست‌نشینی در حرم امام رضا (علیه‌السلام) روی می‌آوردند. پولاک درباره بست‌نشینی این گروه می‌نویسد: «وجود این همه بست در عمل برای امنیت عمومی فوق‌العاده زیان بخش دانسته و باعث گردهم آمدن ارادل و اوباش از هر دست در کنار این بست‌ها می‌داند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۴).

## ۵. عاقبت بست‌نشینان

وضعیت بست‌نشینان بنا بر موقعیتی که در آن بست می‌نشستند متفاوت بوده است. کاتف در عصر صفویان، می‌نویسد: «این گناهکاران چون از بقعه بیرون آیند به غلامی بخرید کسانی گذارده می‌شوند که به غلام احتیاج دارند ولی از خریداران تعهد می‌گیرند که به آزار و اذیت و مجازاتشان نپردازند» (کاتف، ۱۳۵۶: ۵۰). دکتر اوئیلز از وجو امکانات در بست یاد می‌کند که، در اطراف مساجد معظمه ایران که غالباً فراریان و مقصرین خود را در آنجا رسانده و بست می‌نشینند چند بازار ساخته شده است که در دکان‌های آن بازار از هر قبیل اغذیه و اطعمه موجود است. اشخاص فراری و مقصرین هر چیزی را که بخواهند از آنجا خریده و رفع احتیاجات می‌نمایند و مادام‌العمر از حریم آن مساجد بیرون نمی‌آیند (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۷). در اغلب مواقع محتمل است که این اماکن محترمه در نزد

ایرانیان رفع مخاطرات واقعه، شخص مقصر را نمایند و به مرور ایام اسبابی فراهم آورند که قاتل و مقصر به دست وراث و اقارب مقتول گرفتار و او را به انواع سیاسات مجازات نمایند (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۶). خانیکوف دربارهٔ قانون و قواعد اختصاصی بست‌ها در حرم امام رضا (علیه السلام) می‌نویسد: «مجرم را سه روز در آنجا نگاه می‌دارند و پس از آن اگر فرد مزبور وسیلهٔ بسیار موثری برای جلب توجه حامیان روحانی خود نیابد و یا بی سرو صدا فرار نکند، به حاکم تحویل داده می‌شود (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۱۱۱). البته بسته به قوانین حکومتی ممکن است از جانب حکومت به اقوام قاتل قدغن اکید شود که غذا و خورش از برای او ببرند و یا بالعکس به اهالی اصطبل غدغن شود که هرگاه اقارب قاتل از برای او غذایی بیاورند ممانعت نماید که به واسطهٔ آن قاتل و مقصر بدبخت معذب گردد (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۳). لذا بست‌نشین از فرط گرسنگی از بست خارج شده، دستگیر و تحویل اولیای دم یا قانون می‌شد یا آنکه بست‌نشین نگون بخت از شدت تحمل گرسنگی، در بست جان می‌داد. (یا اینکه) ورثه مقتول مشارالیه را دستگیر کرده و به نهج مذکور سیاست می‌نمایند (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۶). پولاک از عاقبت و عافیت گروهی از این بست‌نشینان می‌نویسد: «پناهندگان در اینجا (بست) خود مهاجرنشینی را تشکیل داده‌اند، بدون هیچ رادع و مانعی به کسب و کار مشغولند و حتی کسی نمی‌تواند آن‌ها را به استرداد مال مسروقه وادارد (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۴). عبدالوهاب آصف‌الدوله شیرازی (۱۳۰۱-۱۳۰۳ ق.) از آن دست متولیان است که از ورود افراد ناباب به داخل بست‌های آستانه مقدسه جلوگیری کرد (سیاح، ۱۳۵۶: ۲۸۴).

بنجامین سفیر آمریکا در ایران از کفایت و کاردانی آصف‌الدوله شیرازی (۱۳۰۱-۱۳۰۳ ق.) در سمت تولیت آستان قدس و حاکمیت خراسان و سیستان، تقدیر کرده است (بنجامین، ۱۳۶۳: ۱۸۸).

## ۶. تدبیر و عملکرد فقها، تشکیلات آستان قدس، حکومت و مردم در قبال بست‌نشینان

طرد و راندن بست‌نشینان خاطی و مُخل امنیت جامعه و حتی پناهندگان بی‌تقصیر

(حمیدرضا عطاریانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

و بی‌گناه، در بست‌ها و یا به عبارتی شکستن حصر بست‌نشینی از طرف اشخاص و یا حکومت و یا عوامل دیگر به چند شکل ممکن بوده است. علمای اعلام و فقهای فهام، محض حفظ مراتب خود حتی المقدور مساعی جمیله خود را مصروف می‌داشتند که حکام، عرف اشخاص فراری و مقصرین را از بست بیرون نبرند و هرگاه یکی از حکام بلاد معظمه ایران جسارت نموده و بخواهد مقصر مشارالیه را در حدود بست دستگیر نماید بدون شبهه این امر مهم بی‌زحمت و خسارت کامله به انجام نخواهد رسید و علت عدم اقتدار حکام در این امر آن است که تاکنون نفس نفیس اعلی حضرت شهریار ایران به این عمل اقدام نفرموده و احترام این مواقع را حراست نموده‌اند (اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۷). حتی شاه هم نمی‌تواند کسی را که به حرم پناهنده شده است از آنجا بیرون بیاورد. بست‌نشین در پناه نفوذ و قدرت روحانیان قرار می‌گیرد و از اذیت و آزار مصون می‌ماند (بیت، ۱۳۶۵: ۳۰۸). پولاک از اقتدار متولیان در حل این موضوع می‌نویسد: «فقط به فرمان متولی باشی می‌توان آن‌ها را دستگیر و خارج کرد نه به دستور دولت. در داخل بقعه هیچ‌کس را به هیچ عنوان نمی‌توان دستگیر کرد. حداکثر کاری که می‌توان کرد این است که متولی باشی مانع از رساندن مواد غذایی به فرد جنایتکار گردد (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵). در موافقت‌نامه‌ای به تاریخ ۱۴ محرم ۱۳۲۹ قمری / ۱۲۸۹ شمسی بین دربان‌ها و پلیس شهر مقرر می‌شود «انتظام و مسئولیت بست‌ها به عهده دربان‌های آستان قدس باشد و پلیس در آنجا امر و نهی نکند ولی شب‌ها دزد بگیری و مسئولیت سرقت و حریق با پلیس باشد (نجف‌زاده، ۱۴۰۳، ج ۱: ۵۸). جیمز باست آمریکایی که به‌دقت قوانین بست‌ها و آموشده‌ها را در آن رصد کرده است، چنین می‌نویسد: «به نظرم در موارد تبه‌کاری و آدم‌کشی، بست‌نشینی قطعاً حرام است و به میزان حفاظت و تقدس حرم بستگی دارد و این تقدس هم به مرتبه شخصی که در آنجا دفن شده، بستگی دارد» (باست، ۱۳۹۸: ۲۹۱). کلنل بیت از نقش پررنگ علما یاد می‌کند که قاتلان و کسانی که دستشان به خون آلوده است علما با حکومت همکاری تامه داشته‌اند. بیت شاهد مثالی را ذکر می‌کند که خود دیده است: «یاد دارم شخصی را که قاتل بودنش مُحرز شده بود، روحانیون، وی را لایق ماندن در آستان مقدس ندیده بودند و به فرّاش حاکم تحویل دادند. میر غضب زنجیر را از دست‌های او

برگرفت و در یک آن گردنش را گوش تا گوش در برابر انبوه تماشاگران برید(بیت، ۱۳۶۵: ۳۰۸).

در دوره پهلوی، متحصنان در حرم رضوی بیشتر سربازانی بودند که برای فرار از خدمت نظام به بست‌ها پناه می‌آوردند. این متحصنان از حمایت مقامات آستان قدس به‌ویژه روحانیون بهره‌مند بودند و گاه کارکنان آستان قدس به ایشان کمک کرده، در دستگیری آن‌ها اقدام جدی نمی‌کردند(مرکز اسناد آستان قدس رضوی سند شماره: ۴۷۰۳)؛ اما تدبیر حکومت در برابر بست‌نشینی که لازم بود از بست خارج شوند، اغلب محض دستگیر کردن مقصرین تدبیراتی را متوسل می‌شدند. حسب الامر حکام ممالک یک دسته سرباز اطراف مسجد را احاطه می‌نمایند و حتی المقدور از رساندن آب و نان به مقصرین ممانعت می‌کنند در این حالت مقصر مزبور از شدت گرسنگی از بست خارج شده و در دست مأمورین حکومت اسیر و دستگیر می‌شود و در این صورت عروق حمیت و تعصب حمایت آمیز دیندارانه علماء حرکت آمده اسباب مخاطرات عظیمه و مفاسد بسیار می‌شوند(اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۷).

در باره عملکرد مردم در برابر بست‌نشینیان پولاک می‌نویسد: «بست چنان مورد احترام خاص مردم است که با وجود نهی متولی باشی باز مردم متدینی یافته می‌شوند که پنهانی به این پناهنده غذا برسانند. عفو گرفتن برای پناهندگان یا باز خریدن کیفر آنان کاری است که از نظر مردم ثواب دارد(پولاک، ۱۳۶۱: ۳۲۵). تدبیر دوم حکومت برای بست شکستن افراد را دکتر اوئیلز چنین مطرح می‌کند: «علی‌الأکثر دیده شده است وقتی که حکام عرف بخواهند مقصری را از بست خارج نموده و او را مجازات دهند یک نفر از خدام خود را به نزد مقصر فرستاده و به واسطه وعده و نوید او را از بست بیرون می‌آورند و یا آنکه در همان مکر قدری زهر به او خورانیده و به دیار آخرت می‌فرستند ولی این حیلست به ندرت دیده شده و بسیار قلیل الوقوع است(اوئیلز، ۱۳۹۸: ۱۸۸).

## ۷. نتیجه‌گیری

بست‌های حرم مطهر به‌مثابه محوطه ورودی قبل از حرم مطهر بوده‌اند که حتی ورود به آن هم تابع قوانین موضوعی آستان قدس در ابتدا بوده، به نحوی که از ورود غیرمسلمانان نیز بدان جلوگیری می‌شده است. امکان ورود به بست‌ها فقط برای مسلمانان جازز بوده است. افراد وارد شده به بست‌ها شامل دو گروه خلافکاران و متجاهرین به قانون و عرف جامعه و یا بی‌گناهان و دادخواهان و پناهندگان به درگاه امام رضا (علیه السلام) بوده است. مردم و حکومت و آستان قدس در برابر این دو طیف مخالف مقصران و بی‌گناهان، عکس‌العملی متفاوت داشته‌اند. سوءاستفاده‌های غیر قانونی مجرمین و گنهکاران در طی تقریباً دو قرن از منظر سفرنامه‌نویسان و درک ناهنجاری‌های ترویج یافته در آن، در سفرنگاشته‌ها، نشان از عدم مقبولیت این سنت از دیدگاه ایشان دارد. در حال حاضر بست‌نشینی، کارکرد خود را به‌عنوان مأمونی برای پناهندگان و مجرمان در آستان قدس، از دست داده است. امروزه از عنوان بست فقط نام شش بست در حرم امام رضا (علیه السلام) باقی مانده است. از شش بست، دو بست شیخ طوسی و شیخ حرعاملی سابقه تاریخی دارند. بست شیخ حرعاملی و شیخ طوسی و چهار بست دیگر که پس از انقلاب اسلامی در جوانب حرم مطهر، صرفاً مفاصل آمد و شد زائران سطحی به صحن‌ها و زیر سطحی (رواق‌های زیرین) و معابر و مسیرهای تردد به خارج حرم هستند. در قرون ۱۳ و ۱۴ قمری که حضور حداکثری سفرنامه‌نویسان را در آستان قدس شاهد هستیم، استعمال واژه بست و بست‌نشینی به کثرت در سفرنامه‌ها، همراه با قواعد و جزئیات آن آمده است. آنچه در نهایت درباره کارکرد بست‌های ورودی حرم مطهر می‌توان ذکر کرد آن است که گزارشی در سفرنامه‌ها مبنی بر بست‌نشینی گروه‌های خاص در بست‌ها، یافت نشد. گویا در این بست‌ها صرفاً افراد عادی جامعه، بست‌نشینی داشته‌اند و گروه‌های خاص، از جمله روحانیون عصر قاجار فقط در مسجد گوهرشاد دارای سنت بست‌نشینی بوده‌اند.

## منابع و مآخذ

- آنه، کلود. (۱۳۶۸). *خاطرات سفر کلود آنه در آغاز مشروطیت (اوراق ایرانی)*، ترجمه ایرج پروشانی. تهران: انتشارات معین.
- ایستویک، ادوارد بکهاوس. (۱۳۹۹). *سه سال در ایران «روزنامه خاطرات یک دیپلمات انگلیسی»*. مترجم شهلا طهماسبی. تهران: انتشارات ایران‌شناسی.
- بارنز، الکس. (۱۳۷۳). *سفرنامه بارنز. سفر به ایران در عهد فتح‌علی شاه قاجار*. ترجمه حسن سلطانی‌فر. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- باست، جیمز (۱۳۹۸). *ایران سرزمین ائمه: شرح مسافرت و اقامت (۱۸۷۱-۱۸۸۵ م)*. ترجمه نوید فاضل، مشهد: به‌نشر.
- بروگش، هینریش. (۱۳۷۴). *در سرزمین آفتاب دومین سفرنامه هینریش بروگش*. ترجمه: مجید جلیلود. تهران: نشر مرکز.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر. (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان، خاطرات و سفرنامه ساموئل گرین ویلر بنجامین نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران سال‌های ۱۸۸۳-۱۸۸۵ میلادی*. به اهتمام رحیم رضا ملک‌زاده. ناشر: آفتاب.
- پولاک، ادوارد یاکوب. (۱۳۶۱). *سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان*. ترجمه کیکاوس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- ثواقب، جهانبخش. (۱۳۹۸). «بست‌نشینان در دوره صفویه». *تاریخ ایران اسلامی*. سال هفتم. شماره اول. صص: ۱-۲۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹). «توسل جویی و بست‌نشینان در سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی عصر قاجاریه». *تاریخ روابط خارجی*. سال بیست و یکم. شماره ۸۲. صص: ۱-۳۲.
- خالصی، عباس. (۱۳۵۸). *تاریخچه بست و بست‌نشینان همراه با شواهد تاریخی*. تهران: انتشارات علمی.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ. (۱۳۷۵). *سفرنامه خانیکوف*. گزارش سفر به بخش جنوبی آسیای مرکزی. ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- خوش‌رفتار، هادی. (۱۳۸۴). «بست و بست‌نشینان». *تاریخ پژوهی*. شماره ۲۲ و ۲۳. صص: ۳۳-۴۶.
- دالمانی، هانزی رنه. (۱۳۷۸). *از خراسان تا بختیاری*. ترجمه غلام‌رضا سمیعی. تهران: نشر طاووس.
- ریاضی هروی، محمد یوسف. (۱۳۷۲). *عین‌الوقایع*. به کوشش محمد آصف فکرت. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ریچاردز، فرد. (۱۳۴۳). *سفرنامه فرد ریچاردز*. ترجمه مهین‌دخت صبا. تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- سیاح، حمید. (۱۳۵۶). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. تهران: نشر امیرکبیر.
- شیل، لیدی مری. (۱۳۶۸). *خاطرات لیدی شیل*. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو.
- فردوسی، عباس. (۱۳۸۴). *فلسفه بست و بست‌نشینان (بست‌نشینان در حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام)*. قم: انتشارات زائر.
- قصابیان، محمد رضا. (۱۳۷۷). «تاریخچه بست و بست‌نشینان در مشهد». *مشکوه*. پاییز و زمستان ۱۳۷۷. شماره ۶۰ و ۶۱. صص: ۲۲۳-۲۴۲.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۳۷۱). *تاریخ آستان قدس رضوی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طاهرنیا، بهروز. (۱۳۷۶). *مشهد از نگاه سیاحان*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- طیبی، سید محمد. (۱۳۸۹). «بست و بست‌نشینان در دوره قاجاریه (تا انقلاب مشروطه)». *نامه تاریخ پژوهان*. پاییز ۱۳۸۹. شماره ۲۳. صص: ۸۰-۹۵.
- کاتف، فردت آفاناس یویچ. (۱۳۵۶). *سفرنامه کاتف*. ترجمه: محمد صادق همایون‌نفر. تهران: انتشارات کتابخانه ملی ایران.

(حمیدرضا عطاریانی، محبوبه اسماعیلی، حسن شادپور)

کالمرد، جی. (۱۳۹۳). «بست و بست‌نشینی». مترجم: نرگس صالح‌نژاد. *پیام بهارستان*. شماره ۲۳. سال ششم. صص: ۲۰۴ تا ۲۱۳.

کارلاسرنا، مادام. (۱۳۶۲). *سفرنامه مادام کارلاسرنا آدمها و آیینها در ایران*. ترجمه علی اصغر سعیدی. کتابفروشی زوّار. کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۶۷). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه ع. وحید مازندرانی. تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی. گابریل، آلفونس. (۱۳۹۵). *سفرنامه آلفونس گابریل*. مترجم: فرامرز نجد سمیعی. مشهد: انتشارات به نشر. گروه دائرة المعارف آستان قدس رضوی. (۱۳۹۳). *دائرة المعارف آستان قدس رضوی*. مشهد: به نشر. معینی، محمد. (۱۳۸۷). «نگاهی به سنت بست‌نشینی در ایران». قم: *کتابخانه دیجیتال تبیان*. ویلز، چارلز جیمز. (۱۳۹۸). *سفرنامه دکتر اوئیلز به ممالک ایران*. مترجم: میرزا سید عبدالله. تهران: نشر مجمع ذخایر اسلامی.

ویلسن، چارلز جیمز. (۱۳۶۳). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*. مترجم: سید عبدالله. تهران: انتشارات زرین. نجف‌زاده، علی. (۱۴۰۳). *روزشمار آستان قدس رضوی بر اساس مطبوعات خراسان*. جلد ۱. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

نیدرمایر، اسکارفن. (۱۳۶۳). *زیر آفتاب سوزان ایران*. ترجمه: کیکاووس جهاننداری. تهران: نشر تاریخ ایران.

ییت، ادوارد چارلز. (۱۳۶۵). *سفرنامه خراسان و سیستان*. مترجم: مهرداد رهبری و قدرت الله روشنی. تهران: ناشر: یزدان.



## The bast and bastneshini at the Holy Shrine of Quds Razavi, as narrated in European and American travelogues

Hamidreza Attaryani <sup>1</sup> Mahbouba Esmaili <sup>2</sup> Hassan Shadpour <sup>3</sup>

Received: July 17 , 2025

Revised: September 01 , 2025

Accepted: September 06 , 2025

### Abstract

The basteya(gates) have been the first visible and tangible structures of the structure of the Astan Quds Razavi for the viewer or pilgrim before entering the holy shrine, since ancient times. In other words, the boundaries of the Holy Shrine begin with the bast. The basteya are the connection between the external and material space and the sacred and holy space of the shrine of Imam Reza (AS). There were rules for entering the bast. These laws have had a specific relevance over different centuries, depending on the circumstances of the governments that dominated the country. A bast is a place where a sinner would be protected if he approached it. Of course, non-Muslims were excluded from this law and social custom, according to the documents, and could not enter the bast. This study reviews the reports of the bast and bastneshini(Sitting in the bast) in Astan Quds Razavi as narrated by European and American travel writers.

The research and study community is a travelogue that presents reports on the bast and bastneshini to the Holy Shrine. The research method in this study is qualitative with a descriptive approach based on events taken from travelogues. This research seeks to answer the question of how bast and bastneshini function are described in the travelogues of Europeans and Americans. The findings of this research indicate that in the Safavid era, with the construction and completion of the Holy Courtyard (Inqlab), the areas on the western and eastern sides of this courtyard were called Bast, and gradually, at the beginning of the Qajar era until the end of the Pahlavi era, The concept of the bast and bastneshini has been reflected in travel writers' reports by expressing a critique of function.

**Keywords:** The bast and bastneshini, Imam Reza (AS) shrine, travelogues, Astan Quds Razavi, Mashhad.

1. PhD in Islamic History, Department of History, Islamic Azad University of Shahrood, Iran: hattariani3100@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Shahrood Branch, Iran (Corresponding Author): m.esmaeili@iaushahrood.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University, Shahrood Branch, Iran: h.shadpour.iau.ir